

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ اکتوبر ۲۰۲۱

آیا زندگی سیاسی خاینانه "خلیلزاد" پایان یافت؟

(۱)

سه شنبه- ۲۷ میزان ۱۴۰۰ - کابل: با خبر استعفای "زلمی خلیلزاد" نماینده خاص وزارت خارجه امریکا در افغانستان و پذیرش آن از سوی وزارت خارجه امپریالیسم امریکا، رسانه ها و شخصیت های به اصطلاح سیاسی افغانستان، لباس ممتحن بر تن نموده، در کنار این که ده ها و صد ها تن از ناکامی اش صحبت نمودند، به همان میزان هم کسانی یافت شدند، که از موفقیت ها و خدماتش برای افغانستان، یاد نمودند. چنانچه سخنگویان طالب نیز در طیف اخیر داخل شده، مواضع و همکاری وی را در قبال موافقتنامه دوحه مورد ستایش قرار دادند. من به مثابه فردی از افراد باشنده این کشور که تصامیم "خلیلزاد" بر حیات خودم، خانواده، دوستان، اقربا و هموطنانم اثر گذاشته است، در یادداشت کنونی نکاتی را به مثابه پیش درآمد بحث آغاز می نمایم:

۱- اولین نکته ای را که حین مطالعه حیات سیاسی و اجتماعی افراد می باید در نظر داشته باشیم، اجتناب از اسطوره سازی و شیطان سازی می باشد و همزمان و در کنار آن می باید بپذیریم که نه تنها انسان خوب مطلق پیدا نمی شود بلکه بد مطلق هم وجود نداشته و نخواهد داشت. دومین نکته این است که انسانها به مانند تمام پدیده های سیاسی و اجتماعی در یک بازه زمانی معین می توانند وجود داشته باشند. تکامل به مثابه یکی از اصول انکار ناپذیر دیالکتیک به ما می آموزاند که هر موجودی من جمله انسان در بازه زمانی موجودیت بستر تکامل خودش را دارد، از بستری که با تولد و طفولیت آغاز می یابد و به کهولت و مرگ خاتمه می یابد. در این مسیر به همان سان که در چهره و ساختمان فیزیکی از یک نوزاد و مختصر تفاوت و وجود دارد؛ در کرکتر، شخصیت و عملکردهایش نیز تفاوت می باید وجود داشته باشد که دارد، بر همین مبناست که وقتی می خواهیم راجع به یک انسان که ده ها زندگانی نموده، تمام مراحل از نوزادی تا احتضار را طی نموده قضاوت نمائیم، همان طوریکه در آغاز یاد نمودم از اسطوره سازی و یا شیطان سازی اجتناب نمائیم. بلکه انسانها را در مقاطع و برش های مشخصی از حیات شخصی و اجتماعی شان و نقشی را که در بازه زمانی خاصی انجام داده اند، مورد قضاوت قرار دهیم.

۲- وقتی مسأله قضاوت در مورد افراد، احزاب و حتا حاکمیت ها و عملکرد شان مطرح می گردد با تأسف ما چنان تربیت شده ایم که فقط به ظواهر اشیاء و پدیده ها نگریسته بدون آن که با اهداف، ماهیت و چرایی عملکرد افراد توجه نمائیم، خیلی صریح حکم به کامیابی و یا ناکامی فرد صادر نمائیم. حتا اگر خوانندگان این مختصر ناراحت هم شوند باید

بنگام که با تأسف ما به ممتحنی شباهت داریم که در پارچه هندسه فضائی، به دنبال یافتن "اقلاب و ادغام" تجوید سرگردان باشد.

علت بروز چنین مغالطه هائی، گذشته از این که ظاهر نگری و سطحی نگری ما را می رساند، دنباله روی فکری ما از آنهائیت که یا نمی دانند و یا هم مغرضانه ما را در گمراهی قرار می دهند. یعنی وقتی حرفی را می شنویم و یا خبری را از تلویزیون مشاهده می نمائیم و یا هم سخنی را از دهن این و یا آن دانشمند می شنویم، به خود زحمت نمی دهیم تا در مورد صحت و سقم آن حرف و از آن بالاتر انگیزه و دلیل بیان چنان خبری از دهان گوینده توجه نموده بعداً آن را بپذیریم و یا رد کنیم، بلکه یا به علت فقدان دانش خود ما و یا هم حب و بغضی که نسبت به فرد داریم، حرفش را یا می پذیریم و یا هم رد می کنیم و زحمت درک واقعیت را به خود نمی دهیم.

از جمله در مورد "خلیلزاد"، اگر از تمام آنهائی که او را موفق می دانند و یا هم آنهائی که او را ناکام می دانند پرسیده شود که وقتی معتقدیم که میزان موفقیت و ناکامی افراد بر مبنای میزان و اندازه وظایفی است که بر دوش گذاشته شده است، شما از کجا قضاوت می نمائید که "خلیلزاد" به انجام کدام امری مأمور شده بود که امروز به مانند آن ممتحن بی خبر از هندسه فضائی در عملکردش "اقلاب" جست و جو می نمائید؟

به صورت مثال وقتی می خوانید که انسان دانشمندی آنهم در سطح مسؤول مطالعات جنگ و صلح می نویسد:

"او برای تحقق صلح، مبارزه با تروریسم و خروج منظم نیروهای امریکائی به این سمت گماشته شده بود. اما هیچ کدام را نتوانست انجام بدهد. صلحی در افغانستان نیامده، تروریسم در حال بازگشت و افزایش است و خروج نیروهای امریکائی هرچیزی داشت به جز نظم".

آیا نباید از ایشان پرسید که شما از کجای دانستید که وی را جهت انجام چنان وظایفی گماشته بودند؟ آیا در صحبت های قبل از استخدام مجددش بعد از حدود ۸ سال از بازی دور ماندن در زمان "ترمپ" شرکت داشتید؟ آیا در فرمان مقرریش چنین نکاتی به مثابه وظایفش تذکار یافته بود؟
هموطنان گرامی!

هرگاه با خود صداقت داشته باشیم باید اذعان داریم که پاسخ هیچ یک از پرسش های بالا مثبت نبوده، بلکه این ما خود بوده ایم که یا مستقلاً در ذهن ما انجام وظایفی را از "خلیلزاد" خواسته ایم و یا رسانه ها و بقیه عمال شبکه های استخباراتی با تبلیغات شان ذهنیت ما را ساخته اند و بر مبنای آن می خواهند ما همان ممتحنی باشیم که در هر مضمونی دنبال یافتن مراعات قواعد "اقلاب" باشیم. بناءً می باید بپذیریم که بحث در مورد ناکامی و یا کامیابی "خلیلزاد" در حیطه صلاحیت ما نیست، عکس آن آنچه در صلاحیت ماست، تأثیرات عملکرد "خلیلزاد" بر حیات فردی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ما و حتا همسایگان ماست.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!